

پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس جهت‌گیری هویت و عملکرد خانواده در نوجوانان

سیده زهرا کاظمی خوبان^{۱*}، محمد حکمی^۲، محمد رضا صیرفی^۳

چکیده:

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس جهت‌گیری هویت و عملکرد خانواده در نوجوان است.

روش: بدین منظور نمونه‌ای شامل ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر شهر کرج به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، پرسش‌نامه‌ی سبک هویت برزونسکی (ISI) و پرسش‌نامه‌ی عملکرد خانواده‌ی بلوم (FFS) استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهند که میان دو متغیر مسئولیت‌پذیری و عملکرد خانواده، رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد. در این خصوص نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۷ درصد از مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را با توجه به کارکردهای خانواده می‌توان پیش‌بینی نمود. کارکرد خانواده در سه خرده‌مقیاس آرمان خانوادگی، سازمان‌دهی و تأکیدات مذهبی معنادار شد. همچنین میان متغیرهای سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. علاوه بر این براساس نتایج رگرسیون، سبک هویتی تعهدی با ۱۴ درصد و سبک هویتی اطلاعاتی با ۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین میزان پیش‌بینی را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان‌دهنده‌ی نقش مهم خانواده و هویت‌یابی نوجوانان در ایجاد مسئولیت‌پذیری در آنان است.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، جهت‌گیری هویت و عملکرد خانواده.

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد کرج، * نویسنده مسئول: zkazemi.61@yahoo.com

^۲ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

^۳ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

Prediction of Responsibility Based on Identity Orientation and Family Function in Adolescents

Kazemi Khooban, S. Z.; Hakami, M.; Seyrafi, M. R.

Abstract:

Introduction: The purpose of this study is Prediction of Responsibility based on identity orientation and family function in adolescents.

Method: 300 girl students of Karaj city have been collected through cluster random sampling method. In order to collect information in this research, students' responsibility questionnaire and Berzonsky identity style inventory (ISI) and Bloom family functioning scale (FFS) have been used.

Results: The results showed that there is a positive significant relationship between responsibility and family function. In this case, the regression results distributed that 17 % of students' responsibility can be predicted by family functions. Family functions in three subscales of family goal, organizing and religious emphasizes were significant. As such, there is a significant correlation between identity style and responsibility. Moreover, based on regression results committal identity style with 14% and in informational identity style with 2% had the most and the least prediction.

Conclusion: The results shown that family and adolescents identification have an important role on their responsibility formation.

Keywords: responsibility, identity orientation, family function.

مقدمه

نوجوانی به دوره‌ای از رشد یا تحول اطلاق می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی است و غالباً یک دوره‌ی انتقالی تلقی می‌شود. این دوره همراه با تغییرات عمده‌ی جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است که غالباً از حدود ۱۲-۱۱ سالگی شروع می‌شود و در بسیاری از کشورهای صنعتی جهان در سن ۲۰ سالگی یا حتی دیرتر خاتمه می‌یابد (احدی و جمهری، ۱۳۹۴).

در چند دهه‌ی گذشته نسبت به مسئولیت‌پذیری و ایجاد این مهارت در نوجوانان گرایش نشان داده شده است. در این راستا سروتو^۱ (۱۹۸۹) معتقد است این متغیر، یک تعهد و الزام درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب کلیه‌ی فعالیت‌هایی می‌باشد که بر عهده‌ی وی گذاشته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰). انسان‌هایی که مدام از خود می‌پرسند دنیا چه معنایی دارد باید متوجه باشند که این زندگی است که از انسان می‌پرسد چه معنایی به هستی خود می‌دهد. انسان‌ها صرفاً با مسئول بودن

¹ Seroto

می‌توانند به زندگی پاسخ دهند. مواجه شدن با حس مسئولیت در نتیجه‌ی شکل‌گیری هویت اساسی در انسان‌ها پدید می‌آید و ما با اقدامات خود سعی داریم به این هویت معنا دهیم. احساس مسئولیت یکی از ویژگی‌های شخصیتی انسان‌هاست که عبارت است از قابلیت پذیرش، پاسخ‌گویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و فرد حق دارد آن را بپذیرد یا رد کند (کلمز^۱، ترجمه علی پور، ۱۳۸۵). با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری یک مهارت بوده و همانند هر نوع مهارتی آموختنی و اکتسابی است، بالطبع از ابتدای زندگی و به تدریج ایجاد می‌شود. به این معنا که یک فرد هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، جز آنکه آن را در طول زندگی خود آموخته باشد (به نقل از سفیری و چشمه، ۱۳۹۰). جوامع امروزی با بحرانی در شخصیت نوجوانان مواجه است که ضعف اخلاقی (عدم مسئولیت‌پذیری) نمود بارز آن است (لوئیس^۲، ۲۰۰۷). از این رو پرداختن به امر مسئولیت‌پذیری در نوجوانان برای ساختن جامعه‌ای با آینده‌ی بهتر ضرورت دارد. ما در خلال زندگی با افراد بی مسئولیت رو به‌رو بوده‌ایم، افرادی که به نوعی سعی می‌کنند از مسئولیت‌پذیری خود سرباز زنند. از آن جهت که مهارت مسئولیت‌پذیری در خلال زندگی و پرورش فرد به دست می‌آید، خانواده در این خصوص جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. مهد اصلی آموختن و ارتقای مسئولیت‌پذیری، خانواده است. عملکرد والدین از راه‌های مختلف از جمله آموزش می‌تواند به فرد در فراگیری این مهارت کمک کند. از طرفی دیگر یکی از مهم‌ترین مواردی که در زمینه‌ی بحث نوجوانی همواره مطرح بوده هویت است. هویت آگاهی منحصر به فرد انسان از این امر است که ما به گونه‌ای از هر انسان دیگر متمایز هستیم. در مطالعه‌ی شخصیت انسان، هویت یک جنبه‌ی اساسی و درونی است که با کمک آن احساس تداوم و یکپارچگی در فرد ایجاد کرده و مفهوم ذهنی فرد از خودش است. هویت با عناوینی چون هویت شخصی، هویت اجتماعی، هویت قومی، هویت جنسی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد (ریبر^۳، ۲۰۰۱). اریکسون^۴ معتقد بود که مرحله‌ی نوجوانی (سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی) دوره‌ای بسیار مهم و بحرانی است زیرا در این زمان است که سؤال اساسی فرد در مورد هویت خود مطرح می‌شود که باید حل گردد. اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری و پذیرش هویت فرد تکلیفی کاملاً دشوار و اضطراب‌زاست که در آن نوجوان باید نقش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف را برای انتخاب مناسب‌تر تجربه کند. افرادی که از این مرحله‌ی مشکل‌با یک احساس هویت قوی بیرون می‌آیند آماده هستند تا به احساسی بسط یافته از اطمینان به خود و اعتماد به نفس با بزرگسالی آتی خود روبرو شوند. افرادی که نتوانند به هویتی منسجم دست یابند، افرادی که یک بحران هویت را تجربه می‌کنند، چیزی را نشان می‌دهند که اریکسون آن را "ابهام نقش" می‌نامد. آن‌ها نمی‌دانند که کیستند و یا چیستند، به کجا تعلق دارند و یا به کجا می‌خواهند بروند. در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری کرده و در جستجوی

¹ Klmez

² Lewis

³ Reber

⁴ Erikson

یک هویت منفی باشند. (شولتز و شولتز^۱، ترجمه کریمی، ۱۳۹۲). اریکسون در زمینه‌ی هویت بر اهمیت بافت اجتماعی تأکید می‌کند، زیرا بافت اجتماعی چیزی برای جستجو ارائه می‌کند که می‌تواند حقیقت داشته باشد. شکل‌گیری هویت ترکیب مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل منسجم منحصر به فرد در می‌آید که برای نوجوانان احساس تداوم گذشته و جهت‌گیری برای آینده را فراهم می‌کند (کروگر^۲، ۲۰۰۰).

همانطور که گفته شد هویت، منحصر به فرد بودن انسان بوده و این احساس منحصر به فرد بودن، احساس مسئولیت عمیقی را به همراه دارد مبنی بر این که ما از وجودمان چه می‌خواهیم بسازیم (پروچسکا و نورا کراس^۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۰). همچنین می‌توان گفت ایجاد یک هویت و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود، مهمترین جنبه‌ی رشد در دوره‌ی نوجوانی است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مهم‌ترین مشخصه‌های اصلی این هویت را تشکیل می‌دهند. هم در دوره‌ی نوجوانی و هم در دوره‌ی جوانی این ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند. شکل‌گیری هویت در نوجوانی با خودپنداره، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری فرد رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر دارد. روشن است که نسل نوجوان در سایه‌ی عملکرد خانواده می‌تواند سازنده و در پی آن هدایتگر فردای جامعه باشد که نیازمند مسئولیت‌پذیری آنان است.

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه و یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هایی است که می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسان‌ها را بر طرف نماید. این واحد اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن است و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نیامده است (عمادی، ۱۳۹۲). خانواده به عنوان یک منبع هویت‌سازی و قوی‌ترین نهادی که امر جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها را بر عهده داشته، در گذار از تحولات جهانی شدن، ساختار و کارکردهای سنتی خود را از دست داده و به نوعی نابسامانی و ضعف دچار شده است. فرایند جهانی‌شدن از طریق نفوذپذیر ساختن مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی و نسبی کردن ارزش‌ها، تا حدود بسیار زیادی شرایط و منابع لازم را برای هویت‌سازی از بین می‌برد. به این ترتیب با نسبی شدن ارزش‌ها و سنن اجتماعی که به واسطه‌ی خانواده انتقال می‌یافت، نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آید و زمینه‌ی شکل‌گیری هویت‌های سست و شکننده را در خانواده‌های هسته‌ای به وجود می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۲).

¹ Schultz & Schultz

² Kroger

³ Prochaska & Norcross

در نظریه مارسیا^۱ (۱۹۶۶) معیارهای دستیابی به هویت کامل بر اساس دو متغیر کلی است که قبلاً توسط اریکسون به نام "بحران و تعهد" شناسایی شده است. مارسیا با ترکیب حضور یا فقدان این معیارها (عبور از بحران و کسب تعهد) چهار پایگاه هویت را مشخص کرد: الف- پایگاه هویت موفق (فرد بحران را پشت سر گذاشته و دارای تعهد است)، ب- پایگاه هویت تعلیق (فرد در دوره بحران است و تعهدی ایجاد نکرده است)، ج- پایگاه هویت زودرس (فرد بحرانی نداشته، اما دارای تعهد است) و د- پایگاه هویت سردرگم (فرد در حال حاضر نه بحران دارد و نه دارای تعهد است). این پایگاه‌ها نتیجه‌ی دوران بحران هویت و چهار گونه‌ی متفاوت شکل‌گیری آن است. هر فرد در اواخر نوجوانی (۲۲-۱۸ سالگی) باید پایگاه هویت مستقلی داشته باشد (پاپلیا^۲، ۱۳۹۴). به اعتقاد ستیر^۳ (۲۰۰۰) آینده‌نیازمند انسانی با مسئولیت بیشتر است که توانایی انتخاب داشته باشد. به همین جهت با انجام و استفاده از چنین پژوهش‌هایی ممکن است بتوان با دادن آگاهی به والدین و خانواده‌ها در زمینه تامین سلامت و بهداشت روانی نوجوان گام برداشت (بیرشک، ۱۳۹۳). بر این اساس و با توجه به آنچه گفته شد سؤال پژوهش حاضر آن است که آیا میان میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و جهت‌گیری هویتی رابطه‌ای برقرار است؛ آیا میان میزان مسئولیت‌پذیری و عملکرد خانواده رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ و در نهایت در صورت وجود رابطه، چه میزان از مسئولیت‌پذیری توسط متغیرهای جهت‌گیری هویتی و عملکرد خانواده پیش‌بینی می‌شود.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی است. در این پژوهش سازه‌های جهت‌گیری هویت و عملکرد خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین و مسئولیت‌پذیری نوجوان به عنوان متغیر ملاک یا پیش‌بین شونده در نظر گرفته شده است.

جامعه‌ی تحقیق شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در دبیرستان‌های استان البرز، شهر کرج، در ۳ ناحیه بود. این تعداد دانش‌آموزان براساس اطلاعات به‌دست آمده در حدود ۲۵۰۰ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران برای حجم نمونه، تعداد ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. این گروه شامل دانش‌آموزان دبیرستانی دختر ۱۸-۱۵ ساله بود. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای انتخاب گروه نمونه بود، بدین صورت که ابتدا از میان شهرستان‌ها، شهر کرج و از بین مناطق آموزش و پرورش، منطقه‌ی ۳ کرج به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس از این منطقه، سه دبیرستان و از هر پایه، دو کلاس به تصادف انتخاب و نمونه‌گیری شد.

¹ Marcia

² Papeliya

³ Satir

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه‌ی سنجش میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در خانه و

مدرسه: این آزمون محقق ساخته که بر روی جامعه آماری دانش‌آموزان شهر تهران اجرا شده است، در آن تعداد ۴۷۹ دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر تهران مورد آزمون قرار گرفته اند. که توسط منبره کردلو (۱۳۸۷) به منظور سنجش میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در خانه و مدرسه ساخته شده است و دارای ۵ زیرمقیاس است. در مقیاس اول فعالیت‌های دانش‌آموز در داخل و خارج از مدرسه پرسیده می‌شود. در این مقیاس به هر گویه یک نمره اختصاص یافته است و جمع عبارات میزان فعالیت‌های دانش‌آموز را نشان می‌دهد. مقیاس دوم مسئولیت‌های دانش‌آموزان را در منزل مورد بررسی قرار می‌دهد. برای هر عبارت ۱ نمره اختصاص یافته است و جمع عبارات میزان مسئولیت‌پذیری آزمودنی در منزل را بیان می‌کند. هدف از مقیاس دوم مقایسه‌ی مسئولیت‌پذیری آزمودنی در محیط آموزشی و منزل است. مقیاس سوم، میزان غیبت و تأخیر آزمودنی را مورد سؤال قرار می‌دهد. مقیاس چهارم و پنجم پرسش‌نامه، میزان مسئولیت‌پذیری، احساس امنیت، عزت نفس و تعلق را مورد سنجش قرار می‌دهند. نمره‌گذاری این آزمون به شیوه لیکرت است. پژوهش کردلو نشان داد که پرسش‌نامه‌ی مذکور از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است. اعتبار این آزمون برابر با ۸۹٪ می‌باشد که نمایانگر اعتبار بالای آزمون است و با استفاده از آلفای کرونباخ مشخص شد که پرسش‌نامه‌ی مذکور از ضریب پایایی بالایی برخوردار بوده است.

ب) پرسش‌نامه‌ی سبک هویت برزونسکی^۱ (ISI)^۲: در این پژوهش برای سنجش

جهت‌گیری هویت از پرسش‌نامه‌ی سبک هویت برزونسکی استفاده شد. پرسش‌نامه‌ی سبک هویت به منظور ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خود گزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیرمقیاس تشکیل شده است سه مورد از این زیرمقیاس‌ها شامل سبک‌های هویت و چهارمین زیرمقیاس مربوط به تعهد است (غضنفری، ۱۳۸۳). زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه سبک هویت عبارتند از جهت‌گیری اطلاعات (۱۱ عبارت)، جهت‌گیری هنجاری (۹ عبارت)، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی (۱۰ عبارت) و تعهد (۱۰ عبارت). آزمودنی باید در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱= اصلاً شبیه من نیست، ۵= کاملاً شبیه من) مشخص سازد که هر یک از عبارات ذکر شده تا چه حد نشان دهنده‌ی ویژگی‌های شخصیتی وی است. اعتبار همگرایی پرسش‌نامه از طریق همبستگی آن با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز^۳ (۱۹۸۶) به اثبات رسید. نتایج نشان داد که هویت کسب شده با زیرمقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی و تعهد و هویت تأخیری با زیرمقیاس‌های تعهد، جهت‌گیری

^۱ Berzonsky

^۲ Identity Style Inventory

^۳ Adams & Benuon.

هنجاری و جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی همبستگی دارد. در پژوهش غضنفری به منظور ارزیابی پرسش‌نامه‌ی سبک هویت، این آزمون و مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) به طور همزمان به آزمودنی‌ها داده شد. در پژوهش حاضر نیز با استفاده از آلفای کرونباخ پرسش‌نامه‌ی مذکور از ضریب پایایی بالایی برخوردار بود.

ج) مقیاس عملکرد خانواده (FFS)^۱: در این پژوهش برای سنجش عملکرد خانواده از مقیاس عملکرد خانواده استفاده شد که یکی از ابزارهای جامع برای ارزیابی سیستم درونی خانواده است و توسط برنارد بلوم^۲ (۱۹۸۵) تدوین شده است. این مقیاس، اولین بار به وسیله نجمی (۱۳۷۵) به فارسی ترجمه شده است. بلوم برای ارزیابی نظام درونی عملکرد خانواده و با توجه به ضرورت مطالعه‌ی خانواده به عنوان یک کل و نیز به عنوان مهم‌ترین پایگاه تربیت، مقیاسی را تهیه و تدوین نمود. این آزمون دارای ۷۵ عبارت توصیفی درباره ویژگی‌های خانوادگی است که بلوم آن‌ها را ضمن انجام تحلیل عاملی در ۱۵ حیطه که به طور معنی‌دار مستقل از هم بودند طبقه‌بندی نمود و نتیجتاً این مقیاس معتبر عملکرد خانواده به وجود آمد. به عبارتی بلوم توانست با به کارگیری ۴ مقیاس رایج مقیاس FFS را طراحی نماید. مقیاس بلوم دارای ۱۵ زیرمقیاس است که هر زیرمقیاس ۵ عبارت را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب عبارت‌های ۱ تا ۷۵ به ترتیب خرده مقیاس‌های زیر را در بر می‌گیرد: ۱- همبستگی؛ ۲- ابراز و بیان خود؛ ۳- تضاد و تعارض؛ ۴- گرایش ذوقی-سرگرمی؛ ۵- گرایش‌های فرهنگی-عقلانی؛ ۶- تأکیدات مذهبی؛ ۷- سازماندهی؛ ۸- جامعه‌پذیری؛ ۹- منبع کنترل بیرونی؛ ۱۰- آرمان خانوادگی؛ ۱۱- گسستگی؛ ۱۲- سبک خانوادگی آزادمنش؛ ۱۳- سبک خانوادگی بی‌قید و بند؛ ۱۴- سبک خانوادگی مستبد؛ ۱۵- به هم تنیدگی (عمادی، ۱۳۹۲). پایایی (اعتبار) پرسش‌نامه از طریق همسانی درونی سوالات (آلفای کرونباخ) مورد ارزیابی قرار گرفت. پژوهش حاضر نیز با استفاده از آلفای کرونباخ پرسش‌نامه مذکور از ضریب پایایی بالایی برخوردار بود (عمادی، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش

بر اساس اهداف، این پژوهش با استفاده از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. اطلاعاتی که از طریق پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری گردید، با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. در ابتدا به بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش پرداخته شده که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

^۱ Family Function Scale

^۲ Bernard Bloom

جدول ۱- شاخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده مقیاس	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت در مدرسه	۳۰۰	۱/۴۰	۱/۱۳۵
	مسئولیت در منزل	۳۰۰	۴/۸۸	۲/۶۵۰
	غیب و تأخیر در مدرسه	۳۰۰	۲/۷۲	۱/۷۲۱
	احساس امنیت	۳۰۰	۳۳/۱۴	۷/۲۰۲
	عزت نفس	۳۰۰	۳۱/۶۳	۶/۶۰۵
	احساس تعلق	۳۰۰	۶۸/۳۹	۱۵/۳۸۸
	احساس مسئولیت (تعهد بیرونی)	۳۰۰	۳۰/۷۲	۵/۱۶۷
	مسئولیت‌پذیری (تعهد درونی)	۳۰۰	۲۸/۱۲	۴/۷۶۵
سبک‌های هویت	جهت‌گیری اطلاعاتی	۳۰۰	۳۴/۹۶	۶/۳۳۲
	جهت‌گیری هنجاری	۳۰۰	۳۱/۰۲	۵/۷۶۹
	جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی	۳۰۰	۲۸/۰۵	۶/۰۱۷
	تعهد	۳۰۰	۳۵/۵۸	۶/۶۷۹
عملکرد خانواده	همبستگی	۳۰۰	۱۹/۸۹	۳/۸۴۵
	ابراز و بیان خود	۳۰۰	۱۹/۲۴	۳/۸۲۰
	تضاد و تعارض	۳۰۰	۱۷/۹۰	۳/۴۹۲
	گرایش‌های ذوقی و سرگرمی	۳۰۰	۱۵/۱۱	۲/۸۸۳
	گرایش‌های فرهنگی و عقلانی	۳۰۰	۱۷/۱۷	۳/۳۶۹
	تأکیدات مذهبی	۳۰۰	۱۷/۷۶	۴/۱۹
	سازماندهی	۳۰۰	۱۹/۲۸	۳/۵۷۲
	جامعه‌پذیری	۳۰۰	۱۸/۹۳	۳/۸۲۹
	منبع کنترل بیرونی	۳۰۰	۱۸/۳۳	۳/۲۴۸
	آرمان خانوادگی	۳۰۰	۱۷/۸۴	۳/۶۸۶
	گسستگی	۳۰۰	۱۷/۴۳	۳/۳۸۵
	سبک خانواده‌ی آزادمنش	۳۰۰	۱۷/۸۲	۳/۱۹۵
	سبک خانواده‌ی بی‌قید	۳۰۰	۱۶/۸۹	۳/۰۰۵
	سبک خانواده‌ی مستبد	۳۰۰	۱۷/۰۹	۲/۹۸۰
به‌هم‌تنیدگی	۳۰۰	۱۴/۸۲	۳/۰۳۸	

سپس برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه‌ی معنادار میان متغیرهای فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که میان خرده مقیاس‌های هویت و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی معناداری برقرار است به طوری که به جز برای خرده مقیاس جهت‌گیری اجتنابی که رابطه‌ی معکوس (منفی) وجود دارد، بین سایر خرده مقیاس‌ها رابطه‌ی مثبت و معناداری حداقل در سطح ۹۵ درصد وجود دارد.

به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که کدام یک از سبک‌های هویتی پیش‌بینی‌کننده‌ی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب رگرسیون برای سبک‌های هویتی و مسئولیت‌پذیری

مدل	متغیر	R	R ²	F	B	Beta	T	سطح معناداری
گام اول	ثابت	۰/۱۷۴	۰/۰۲۶	۷/۷۹۶	۱۷۱/۸۶۱		۱۶/۲۵۴	۰/۰۰۰
	اطلاعاتی				۰/۸۳۱	۰/۱۷۴	۲/۷۹۲	۰/۰۰۶
گام دوم	ثابت	۰/۲۶	۰/۰۶	۹/۰۶۸	۱۵۴/۹۶۵		۱۳/۲۷۴	۰/۰۰۰
	اطلاعاتی				۰/۲۷۴	۰/۰۵۲	۰/۷۱۴	۰/۴۷۶
هنجاری					۱/۲۰۳	۰/۲۲۹	۳/۱۷۲	۰/۰۰۲
	ثابت	۰/۳۷۲	۰/۱۲۸	۱۳/۳۴۳	۱۹۵/۱۳۵		۱۳/۵۹۸	۰/۰۰۰
گام سوم	اطلاعاتی				۰/۲۸۱	۰/۰۵۹	۰/۸۴۳	۰/۴
	هنجاری				۱/۰۷۴	۰/۲۰۴	۲/۹۳	۰/۰۰۴
اجتنابی					-۱/۳۴۶	-۰/۲۶۷	-۴/۵۲۵	۰/۰۰۰
	ثابت	۰/۳۹۶	۰/۱۴۳	۱۱/۵۱۲	۱۷۹/۱۳۵		۱۱/۲۴۶	۰/۰۰۰
گام چهارم	اطلاعاتی				۰/۰۵۹	۰/۰۱۲	۰/۱۷۱	۰/۸۶۵
	هنجاری				۰/۵۵۲	۰/۱۰۵	۱/۲۸۹	۰/۱۹۸
اجتنابی					-۱/۰۵۱	-۰/۲۰۹	-۳/۲۷۲	۰/۰۰۱
	تعهد				۰/۹۰۲	۰/۱۹۹	۲/۳۰۷	۰/۰۲۲

با توجه به اطلاعات جدول ۲ می‌توان گفت که ۱۴ درصد از مسئولیت‌پذیری را سبک‌های هویتی پیش‌بینی می‌کند. با توجه به اینکه در گام‌های چهارگانه رگرسیون، آزمون t برای معنی‌داری ضرایب رگرسیون برای هر کدام از سبک‌های هویتی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است و همچنین با توجه به این که b ضریب رگرسیون حاصل از نمرات خام است و در نتیجه تحت تأثیر مقیاس اندازه‌گیری متغیر پیش‌بین قرار دارد، بهتر است از Beta که ضریب رگرسیون حاصل از

نمرات استاندارد شده است، استفاده شود. با توجه به ضرایب رگرسیون استاندارد شده، معادله‌ی رگرسیون برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری برحسب متغیرهای پیش‌بین سبک‌های هویتی در گام چهارم رگرسیون عبارت است از:

$$\text{مسئولیت‌پذیری} = ۱۷۹/۱۳۵ + (۰/۰۵۹ \text{اطلاعاتی}) + (۰/۵۵۲ \text{هنجاری}) + (-۱/۰۵۱ \text{اجتنابی}) + (۰/۹۰۲ \text{تعهد})$$

همچنین نتایج بررسی همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که میان خرده مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری با همه‌ی خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده به جز گرایش فرهنگی و عقلانی و به‌هم‌تنیدگی رابطه‌ی معناداری برقرار است. در ادامه با استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری هم‌زمان (به علت تعداد زیاد متغیرها و روابط نزدیک آن‌ها با متغیر مسئولیت‌پذیری) قدرت پیش‌بینی متغیر مسئولیت‌پذیری بر اساس عملکرد خانواده بررسی شد (جدول ۳). البته با توجه به اینکه متغیرها رابطه‌ی معناداری با مسئولیت‌پذیری نداشته‌اند، لذا این دو متغیر وارد معادله رگرسیون نگردیدند.

جدول ۳- ضرایب رگرسیون برای عملکرد خانواده و مسئولیت‌پذیری

متغیر	R	R ²	F	B	Beta	T	سطح معناداری
ثابت				۹۵/۹۳۶		۵/۶۳۸	۰/۰۰۰
همبستگی				-۱/۱۳	-۰/۱۴۳	-۱/۸۴۸	۰/۰۶۶
ابراز و بیان خود				-۰/۴۳۱	-۰/۰۵۴	-۰/۶۳۸	۰/۵۲۴
تضاد و تعارض				۱/۱۸	۰/۱۳۶	۱/۹۶۲	۰/۰۵۱
گرایش ذوقی و سرگرمی				۰/۷۱۹	۰/۰۶۸	۱/۱۳	۰/۲۵۹
تأکیدات مذهبی				۱/۶۵۳	۰/۲۲۹	۳/۶۹۸	۰/۰۰۰
سازمان‌دهی				۱/۲۷۵	۰/۱۵	۲/۰۳۱	۰/۰۴۳
جامعه‌پذیری	۰/۴۶۳	۰/۱۷	۵/۰۱۶	-۰/۳۷۴	-۰/۰۴۷	-۰/۶۳۷	۰/۵۲۵
منع کنترل بیرونی				۰/۴۰۹	۰/۰۴۴	۰/۵۴۱	۰/۵۸۹
آرمان خانوادگی				۱/۸۳۵	۰/۲۲۳	۲/۸۷۱	۰/۰۰۴
گسستگی				۰/۶۳۹	۰/۰۷۱	۱/۰۹۸	۰/۲۷۳
سبک خانوادگی آزادمنش				-۰/۹۵۵	-۰/۱۰۱	-۱/۳۷۵	۰/۱۷
سبک خانوادگی بی‌قید				۰/۷۴۸	۰/۰۷۴	۱/۰۹۲	۰/۲۷۶
سبک خانوادگی مستبد				۰/۵۷۸	۰/۰۵۷	۰/۸۹۵	۰/۳۷۱

نتایج نشان می‌دهد که ۱۷ درصد از مسئولیت‌پذیری را عملکرد خانواده پیش‌بینی می‌کند. با توجه به معناداری آزمون t برای ضرایب رگرسیون در خرده مقیاس‌های تأکیدات مذهبی، سازماندهی و آرمان خانوادگی و همچنین با توجه به این که b ضریب رگرسیون حاصل از نمرات خام است و در نتیجه تحت تأثیر مقیاس اندازه‌گیری متغیر پیش‌بین قرار دارد، بهتر است از Beta که ضریب رگرسیون حاصل از نمرات استاندارد شده است، استفاده شود. با توجه به ضرایب رگرسیون استاندارد شده، معادله‌ی رگرسیون برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری برحسب متغیرهای پیش‌بین عملکرد خانواده عبارت است از:

$$(\text{آرمان } ۱/۸۵۳) + (\text{سازمان‌دهی } ۱/۲۷۵) + (\text{تأکیدات مذهبی } ۱/۶۵۳) + ۹۵/۹۳۶ = \text{مسئولیت‌پذیری}$$

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست آمده، میان متغیرهای سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در تبیین نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که سبک‌های هویتی فرزندان که در بستر خانواده و از دوران نوجوانی شکل می‌گیرد می‌تواند در مسئولیت‌پذیر بودن آنان مؤثر باشد. البته در ارتباط با سبک‌های گوناگون، این نتایج متفاوت است چنان که براساس نتایج رگرسیون، سبک هویتی تعهدی با ۱۴ درصد و سبک هویتی اطلاعاتی با ۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین میزان پیش‌بینی را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع همان گونه که پیشتر اشاره شد افرادی که از سبک هویتی تعهد برخوردارند، دارای ویژگی‌هایی همچون پایبندی به انجام کار و مسئولیتی هستند که به آنان سپرده شده است. از این رو می‌توان پیش‌بینی نمود که این قبیل افراد در آینده نیز در ارتباط با مسئولیتی که به آنان سپرده شود به شکل مطلوب‌تری برخورد نموده و در نهایت آن را به اتمام رسانند. این مسائل می‌تواند در تربیت فرزندان مد نظر قرار گرفته و والدین را به هدایت فرزندان به آن جهت رهنمون ساخت.

نتایج یافته‌های این فرضیه با یافته‌های فیلیپس^۱ (۲۰۰۸)، بارت^۲ (۲۰۰۰)، سامولیس^۳، لایبرل و شیافیونو^۴ (۲۰۰۱)، جوکار، حسین چاری و مهرپور (۱۳۹۳)، سفیری و چشمه (۱۳۹۰)، گودرزیان (۱۳۸۸) و فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان دو متغیر مسئولیت‌پذیری و عملکرد خانواده رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز یافته‌ها نشان داد که ۱۷ درصد از مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را با توجه به کارکردهای خانواده می‌توان پیش‌بینی نمود. البته این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده فقط در سه خرده مقیاس آرمان خانوادگی،

¹ Phillips

² Barrett

³ Samoulis

⁴ Layber & Shyafino

سازمان‌دهی و تأکیدات مذهبی قابلیت پیش‌بینی دارد و به عبارت دیگر تنها این سه خرده‌مقیاس در معادله‌ی رگرسیون می‌تواند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در آینده را پیش‌بینی نمایند. در تبیین این نتایج به دست آمده می‌توان گفت که طبیعتاً در خانواده‌هایی که آرمان و اهداف اعضا مشخص بوده و هر یک از اعضا درصددند یکدیگر را در دستیابی به اهداف یاری نمایند حس مسئولیت تقویت شده و لذا این شرایط در سایر رخدادهای زندگی نیز به نوعی شکل می‌گیرند. همچنین نظم، انضباط، رعایت اصول و قواعد خانه و خانواده که در قالب سازمان‌دهی در کارکردهای خانواده تعریف می‌شود می‌تواند در ایجاد حس مسئولیت در فرزندان برای زندگی آینده مثر ثمر باشد که نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نیز این امر را مورد تأیید قرار می‌دهد. در آخر، در اولویت قرار گرفتن مذهب در محیط خانه و تربیت فرزندان نیز به سبب این که مذهب (که در این پژوهش اسلام مد نظر بوده است) بر رعایت وفای به عهد و مسئول بودن در قبال آن چه به دوش افراد است تأکید دارد می‌تواند این حس را در افراد تقویت نماید و از این رو در پرورش حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تأثیرگذار خواهد بود. البته این زمینه نیازمند پژوهش بیشتری است تا نتایج قدرت تعمیم‌پذیری بیشتری را داشته باشند. نتایج یافته‌های این فرضیه با یافته‌های برزونسکی^۱ (۲۰۰۷)، استمس و همکاران^۲ (۲۰۰۶)، سارتور و یونیس^۳ (۲۰۰۲)، بارت (۲۰۰۰)، سفیری و چشمه (۱۳۹۰)، میرزاجانی (۱۳۸۶)، شریفی و همکاران (۱۳۸۴) و گلچین و همکاران (۱۳۸۷) همسو می‌باشد. با توجه به این که آموزش و پرورش در ارتباط مداوم و مستمر با والدین دانش‌آموزان قرار دارد؛ پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده و آگاه ساختن والدین به این مسائل و آموزش آنان برای برقراری رابطه‌ی بهتر با فرزند نوجوان خود در ایجاد حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان گام مؤثر و مثبتی بردارد. از طرفی نیز می‌توان به بهبود تعامل میان فرزند با سایر اعضای خانواده شامل برادران و خواهران اشاره کرد که اگر این تعاملات با شرایط بهتری رخ دهد و نوجوان در محیط خانه احساس امنیت و آرامش داشته باشد، در نهایت می‌تواند به مسئولیت‌ها و وظایف خود به نحو مطلوب‌تری عمل نماید. در این راستا نقش رسانه‌ها نیز نباید نادیده گرفته شود و همراهی آنان با آموزش و پرورش و انجام اقداماتی همسو با یکدیگر می‌تواند در موفقیت دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند.

منابع

- احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۹۴). روان‌شناسی رشد (نوجوانی، بزرگسالی)، قم: انتشارات آینده درخشان.
- پروچسکا، جیمز و نورا کراس، جان (۱۹۵۷). نظریه روان‌درمانی. ترجمه سید محمدی (۱۳۹۰). تهران: انتشارات رشد.

¹ Berzonsky

² Stams et al

³ Sarato & Uones

پاپالیا، دایان ای. روان‌شناسی رشد و تحول انسان. ترجمه قهستانی و همکاران (۱۳۹۴). تهران: انتشارات رشد.

جوکار، بهرام؛ حسین چاری، مسعود؛ مهر پور، آناهیتا (۱۳۹۳). پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۰، بهار ۹۳، شماره صفحه ۲-۴.

ستیر، ویرجینیا (۲۰۰۰). آدم سازی، ترجمه: بهروز بیرشک (۱۳۸۷). چاپ نهم. تهران: انتشارات رشد.

سفیری، خدیجه؛ چشمه، اکرم (۱۳۹۰). مسئولیت‌پذیری نوجوان و روابط آن با شیوه جامعه‌پذیری در خانواده. مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱، شماره صفحه ۱۳۰-۱۲۰. شولتز و شولتز (۲۰۰۵). نظریه شخصیت، ترجمه یوسف کریمی (۱۳۹۲). تهران: نشر ارسباران. شریفی، خلیل؛ عریضی، حمیدرضا و نامداری، کورش (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و سرسختی روان‌شناختی در دانش‌آموزان. ماهنامه علمی پژوهی دانشگاه شاهد. سال دوازدهم، شماره ۱۰. صفحه ۹۴-۸۵.

طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سید شهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان؛ محمدی آریا، علیرضا (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های هویت و مسولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. سال دوازدهم، شماره ۴۴. صفحه ۴۲-۲۳.

عمادی، امیر (۱۳۹۲). هنجاریابی، تعیین روایی و اعتبار پرسش‌نامه عملکرد خانواده بوم در میان زنان و مردان متأهل. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، علوم و تحقیقات خمین.

غضنفری، احمد (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک هویت. نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. دوره پنجم، شماره ۱. شماره صفحه ۹۴-۸۱.

فولاد چنگ، محبوبه؛ شیخ‌الاسلامی، راضیه و صفری، هاجر (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزندپروری. مجله روان‌شناسی. سال چهاردهم، شماره ۱. صفحه ۱۷-۳.

کردلو، منیژه (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه. مجلات روان‌شناسی و علوم تربیتی، رشد مدرسه، شماره ۱۳، صفحات ۴ تا ۱۱.

گلچین، مهری؛ نجمی، بدرالدین؛ نصیری، محمود؛ بشر دوست، نصرالله (۱۳۸۷). ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر. مجله علمی- پژوهشی پژوهش در علوم پزشکی. سال ششم، شماره ۴. صفحه ۲۹۹-۲۹۷.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۲). جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی. گودرزیان، مهری؛ پاشا، غلامرضا (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های هویت و رشد اخلاقی با مسولیت‌پذیری در دانشجویان. مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی. صفحه ۹۹-۸۷.

میرزاجانی، زهرا (۱۳۸۶). رابطه کارکرد خانواده و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۸۶-۸۵. پایان‌نامه چاپ نشده، کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

نجمی، بدرالدین (۱۳۷۵). بررسی ارتباط بین عملکرد خانواده و محبوبیت اجتماعی نوجوانان در گروه همسال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد. رودهن.

Barrett, R. P. (2000). Assigned chores help teach social personal Responsibility, The Brown university child, and Adolescent Behavior letter.

Berzonsky, M. D. (2007). Identity-processing styles psychological resources and Adolescents perception of parent. Adolescent relations.

Bloom, B. L. (1985). A factor analysis of self – report measures of family functioning, Journal of family Process, 24(2), 225-239.

Erikson, E. H. (1963). Childhood and society (2ed). New York: Norton & Company. INC.

Klmez, H, Between, R (2007). Teach responsibility to children. Translate by Parvin AliPour. Tehran. Quds Press.

Kroger, I. (2000). Identity development: a dolescence through adulthood. Journal of personality. 31, 75, 2.

Lewis, Ramon. (2001). Classroom discipline and student responsibility: the students view. Teaching and teacher education, N. 17(3): 307-319.

Philips, M. (2008). Age-Related differences in Identity style: Across sectional Analaysis, Current psychology. N 27, pp 205-215.

Reber, J. E. (2000). Identity formation. Identity crisis and personality. Journal of personality, 37, 319 – 338.

Samuolis, J.; Layburn, K.; & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students. Journal of Youth and Adolescence, 30, 373-384.

Sartor, C. E.; & Youniss, J. (2002). The relationship between positive parental involvement and identity achievement during adolescence, Adolescence, 37, 221-234

Stams G. J, Brugman D, Dekocic M, Van Rosmeln L, Vanderlan P, Gibbs Jc. (2006) the moral judgment of , uvenile delineruents: a meta –anulysis. familty of social and Behavioral science , university of amsterdam , M,Department of Education , p.o.Box 94208,1090 GE, Amsterdam,the Netherlands. G. J. J. M. stams@ uVa. n1. j Abnorm children psychol